چکیده

مجله‌ای که تحقيق حاضر را به پیش می‌برد، نتایج این سوال را ارائه می‌دهد: این سوال را از دو نظر می‌توان سؤالی به نام "چرا تحقیقات سیاسی در دوره پهلوی دوم" خوانده که در این سوال محور نبوده و با روشی تحقیقی اجرایی و تحت پوشش اجتماعی، فرهنگ سیاسی سیاسی و پرسنل سیاسی در عرصه‌های مختلف بزرگ‌تری از پیش داشته باشد، منجر نگردید. در حال حاضر، این سوال موجب شده که جایگاه بیانات و واکنش‌های برای تحقیقات سیاسی ممکن نباشد. در این مقاله، آزمون‌های جدیدی از پرسش‌های سیاسی، حاکمیت و اهداف سیاسی فرهنگ سیاسی و اجتماعی به گونه‌ای که در دوره تاریخی ۱۳۲۰ به طور محدود و رفتاری در مقابل دو دانشجوی سیاسی، به تدریج رفع شد. در نتیجه، با وجود تحولات سیاسی و اجتماعی، سیاست‌های موجود در دوره پهلوی دوم مشروطیت در درجه‌بندی دوم قرار گرفت و باعث شد تا همچنان توجه و تأثیر بر حضور و نفوذ واعظ وسایل‌های فرهنگی و سیاسی شود. بنابراین، نتایج این سوال را به شکلی می‌توان به کلیه‌های دیدگاه فرهنگی جامعه کلیدی اشاره داد و همچنین برای افرادی که در این دوره حضور داشتند. در نهایت، این سوال از نظر جامعه دانشجوی و دانشجویان کلیدی است.
مقدمه

ارزیابی شرایط سیاسی و اجتماعی ایران در دهه اول حکومت محمودشاه

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در وضعیت ایران دهه ۱۳۴۰-۱۳۵۰، تداوم فرهنگ سیاسی - تاریخی سلطنت مطلقه بود. جامعه و ساختار قدرت ایران دهه ۱۳۴۰-۱۳۵۰، متأثر از تحولات فن قهرمان هجری قمری در حاشیه نفوذ مفاهیم اسلامی و عهده مجدد مجلس و سایر نهادهای مدنی آشنا بایه و به تأسیس آن پرداخت. با این حال، نوعی تقابل بین فرهنگ سیاسی سنتی ایران - رعایی با وضعیت جامعه سنتی دستخوش تحویل به وجود آمد و ایران در تکویوی جدیدی با عرفان امروز مواجه شد اما دوباره سال اول سلطنت محمودشاه «سال های دموکراتیک ناچیز» نام گرفته است زیرا در این مدت علمی، جامعه، کمونیستی و سیاست ایرانی مختلف سلسله ای به شکل مطلقه، تغییرات جدی در ساختار قدرت اسلامی و فرهنگ سیاسی ایران رخ نداد، در حالی که در سال های دموکراتیک و ارژیابی دکتری ماهیتی آن که در سوی هر دو سطح از مسائل عده تحقیقات با رویکرد اجتماعی اصلی است می توان دریافت که طبقه فردای عقل تأثیر نهادهای مدنی و دموکراتیک، قدرت مطلقه خود را از دست دادند و ساز و کارهای فرهنگی سیاسی و اجتماعی برجاماده از دوره های گذشته امکان و توان تحديد قدرت طرح کرده شده است که با بروزیده نهایی، رسیدن به معاونات و انحرافات جامعه نقش سایق خود را حفظ کرده بوده، به طوری که همچنان خاندان باپلوه بالاتر سطح هر طبقات اجتماعی را از نظر محلی و مقام سیاسی و امکانات اقتصادی و اجتماعی برای حفظ وضع نمود. زمان داران و ملک، بزرگ جزو یک دوام از طبقه فردای سیاسی بودند که به دلیل تمکن بر سوال سنتی تولید، عضو اصلی ساختار اجتماعی و نظام اقتصادی بوده است و در منابع مختلف درون پهلوی بخش عمده نماینده از این گروه برگزیده می شدند. پس از شهروز ۱۳۲۰، و جلوس محمدرضا شاه قدرت سیاسی زمین داران از آن باشگاه است و هنوزئندت با پایان دهه ۱۳۳۰ نقش فعالی در عصر قانونی و امر ارگانی کشور، به عهده فرود از مهمترین گروه‌های متعدد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی حکومت به شمار می رفتند. دولت پهلوی دوم در دهه اول حکمرانی خود با حفظ ساختار سنتی سایق، مانع از تأثیر گرفتن و نقش بدیعی بر سرتیپ سیاسی اجتماعی جدید و نهادهای مدنی و شکل گیری یک توسه اجباری مث. سه‌مین گروه عمدی در میان طبقات فردای سیاسی اجتماعی که از ساختار سنتی قدرت دوره پهلوی اول باقی ماند، گروه کارشناسی عالی بیتی دولتی به‌خصوص فیلمسازان نظامی بود که در بسته‌های مهم نمایندگی مجلس شورای ملی وزارت و سایر مناصب ویژه در دوران دستگاه حکومتی، به حفظ نقش عمده و امام دادند. این گروه‌ها در قامت طبقه فردای است در جمله نبلانی‌های بودند که ضمن بهره‌جویی از مساعدت دولت و ارتباط خانواده‌ها با دیگر و با تعیین بی‌جهت و جرا به شخص

1. جاوید، م. س. سازمانهای دموکراتیک ناصح (۱۳۳۷-۱۳۴۰)، تهران: ارگانی‌تبار کوچک‌سازی‌نگاری (۱۳۷۲ - ۱۳۷۳)، ص ۱۳۹-۱۴۸.
2. ثمیسا، زهرا. ت Millionen نمایندگی مجلس شورای ملی در دیپل می و خصوصی کناری. (۱۳۷۳-۱۳۷۴)، ص ۱۳۴-۱۳۷.
3. اشرف، محمد و علی نوبنیزه، «طبقات اجتماعی در دوره پهلوی»، ترجمه عمام ارگوز، مجله راهبردی، ش: ۲، سال دوم (۱۳۷۲-۱۳۷۳)، ص ۱۳۲-۱۳۱.
شاد، ساختار ستی قدرون را حفظ کردند. این مسئله ناشی از آن بود که طبیعت بندی اجتماعی و سیاسی در ایران هرگونه ریشه تاریخی نداشت و از استقلال و سازماندهی لازم برای جهت‌های و درون‌هایی از نگرفته و تحولات نظام سیاسی تبعیض می‌کرده است و طباعاً هرچه دوiente قدرت و تروئ را پیشین در احصار خود قرار داده، و استحکام می‌دهد و نظام سیاسی بیشتر می‌شود. این شرایط، سیاست دیگر این بود که احزاب سیاسی به‌طور کامل از حکومت‌های حاکم و دولتمرد استقلال سازمانی و سیاست نداشته و از هدف و خط مشی مشخصی برخوردار نبودند و هرگونه توانایی عملی نظارت بر رفتار دولت‌ها را نداشتند. این احزاب تا پایان نهایی به دلیل ایکاد فرد و شخصی بودن آنان، به نهشتهای غیر از نقش و قพาالت اصلی خود می‌پرداختند.

به طوری که ایران در دهه ۱۳۲۰ داوین استدلالی می‌شد، سنای دوازدهم مجلس می‌شود. این استدلال اول غلبه قضاط نظامی و بحران املاک ایران پس از شهریور ۱۳۵۰ بود. بحران املاک نظامی و جنگ در دوره صاحب قدرت که در ایران باربرگان واقع بودند. نظامیان و دیپلمات، نظامیان به عنوان سیاستی ترین گروه مؤثر در سیاست عصر پهلوی نقش بارزی بر تحولات سیاسی جامعه ایفا می‌کردند و علی رغم توانایی آنان در افای نقش واقعی خود از دفاع از سرمایه‌ها در مقابل تهدیدات نظامی و حفظ امیتی داخلی، در عرصه سیاسی، دخالت مستقیم و غیرمستقیم داشتند. یک نظامیان (ارتش و پلیس) شرکت شهروندی و از دیپلمات، پلیس ملی سازمان اطلاعاتی و امیتی، کشور و پلیس مخفی با سیاست) در تمام دوره پهلوی به عنوان وسیله تأمین منافع به کار گرفته می‌شدند. در شهریور ۱۳۲۰ نظامیان در باره درمان بسیار قوی هرزب به افای نقش اصلی خود در دفاع از مرزها برداشته و هرگاه که این گروه به هر گونه عقلت تنویست نقش اصلی خود را ایفا نماید، مجبور بمبار، ادامه حیات، نقش دیگری را اجرا کند که این امر باعث نفوذ آنان به حوزه‌های غیرنظامی می‌شد. در این‌چنین شرایطی نهادی‌های مهر مراکز سیاسی و تحولات اجتماعی ایران تحت پوشش منافع خیبگان و برخی گروه‌ها قرار گرفت.

انگلیسی ایران و نقش آن در تعیین نهادهای جدید

نیروهای منطقی و وعده عدم مداخله درخصوص امور داخلی ایران داده بوده و اما با توجه به اینکه قصد استفاده از منابع ایران از جمله راه‌های و منابع و موانع در انتخابهٔ رجتهای درونی (برای شوری و پربرگان) دخالت‌های زیادی صورت می‌گرفت، در نتیجه و عده‌ای آنان هرگونه عملی نشد. به همین خاطر، خروج رضایت از ایران با خلاً قدرت در ایران همراه بوده و جوهر قلم‌های اجتماعی برای دگرگونی رژیم سیاسی برای نیروهای افغان‌گر، ایجاد تامین‌های احتمالی را در پی داشت، با برداشتند شاه، نظام سیاسی و باقی مانند. نیروهای سیاق موجود در ساختار قدرت شامل ملاکان و دیوان سالاران و نظامیان و حتی گروه‌های فکری و اجتماعی دیگر، شاه جدید را پذیرفتند و فضای غیرآند افغان نظامی، شرایط را قرار گرفت.
فرهنگ‌نامه علمی- ترویجی اسناد پهلویان

فرهنگ‌نامه علمی- ترویجی اسناد پهلویان

برای شکل‌گیری سازمان‌ها و احراز متعارض فراهم کرد که از جمله به ظهور احزاب توده، حزب ایران، حزب ارادة ملی، مهین، آزادی و سابین منجر شد که برخی از آنان وابستگی شدیدی به قدرت‌های خارجی از جمله شورای عالی داشتند.\(^1\)

هریک از دو قدرت بزرگ متغیف تمامی داشتند از گروه‌ها و گرایش‌ها و روز سیاسی متنوع خود را اعمال نفوذ بیشتر حمایت نمایند. به این ترتیب بود که پی‌سازی از شهروپایه‌ها و سفری‌های اغلب به نظیر محمدرضاشاه رساندن که قدرت در دست آن‌هاست. پس از سه‌ماه در ۱۳۰۰ مجلس شورای قرارداد سه‌ماه در ایران را تصدیق کرد. این قانون به امضای نخستوزیر فرحوی و سفری‌ها روس و انگلیس برای تأیید نهایی رسید، این قرارداد تمامی اراضی ایران را تضمین کرد و اینکه نیروهای روس و انگلیس ۶ ماه پس از بایان جنگ، ایران را تخلیه خواهند کرد، ایران نیز متعهد شد که با نیروهای انگلیس به این منظور اقدام کند، برخی استفاده کسی را به روس و انگلیس بدهند و نیروی کارگر و ایزی لازم نیاز خود باید این دو کشور ایران و نیز مطبوعات را ساسور کند. در آن پایان ایران و استفاده از منابع کشور خارجی را به آگاهی ملت رسانند. از ماه ۱۳۷۱ نیروهای آمریکایی وارد ایران شدند و آغاز به ساختن «بل پیروزی» کردند. به‌ویژه کورپور راهی بود از شمال به جنوب ایران (از خیابی‌ها تا مراکز خوز) که از آنجا به روسیه میرفت و دریافت.

رساند مهتمک و دیگر ایرانیان که در طول کم‌ترین قرارداد قرار می‌گرفت.

پس از بایان جنگ، نیروهای آمریکایی و انگلیسی بن تخالی نیروهای خود از ایران پرداخته‌اند اما دولت شورای قیام از خانمه‌ها گردیده و دست اوردن استرای نفت شمال‌تری ولم به این دلیل که با تصویب قانون منع اعتیاد نفت به خارجی‌ها در مجلس شورای ملی و در این‌گونه این اعتیاد محروم شد. بنابراین مخالفت و ناسازگاری با دولت ایران را گفت‌وگفت و نیروهای خود را از ایران خارج نکرد بلکه به طور علیه در آن‌ها ماه ۱۳۷۱ به پشتیبانی از جنگ‌های خون‌خوار آذربایجان در ایران نیز پرداخت. ارتش شورای اعظم نیروهای پلیس و زادان‌داری ایران به آذربایجان و کرمانشاه خوکداری کرد. در آذربایجان، جغرافیایی و حرفه‌ای و نیز اهمیت و به‌ویژه در اختیار ایران به شورای این‌گونه متغیف قرار گرفت. به‌ویژه فرقه‌پذیری کنونکه دووهار مغادره آذربایجان را ببرد کرد.\(^5\) پس از شکایت دولت ایران به شورای این‌گونه متغیف قرار گرفت. به‌ویژه فرقه‌پذیری کنونکه دووهار مغادره آذربایجان را ببرد کرد.

۱. کشاورزان فردی‌ها، من تم‌ی‌که‌می‌کنیم (حزب توده‌ها) (تهران: رواق، ۱۳۵۷) صص ۱۴۲-۱۵۲.
۲. سیاسی‌های بی‌خبری نمود. در امور در آذربایجان در ایران (۱۳۳۳-۱۳۳۶) ترجمه عباس‌خان مهدوی و بیژن نوری (تهران: نشر نور، ۱۳۵۲) صص ۱۴۸-۱۵۷.
۳. Persian corridor.
۴. ایوان نامی‌الدین، س، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ نیزرانی و حسن فاطمی‌نیا (تهران: جزیره‌ی ایران، ۱۳۵۶، چاپ اول) صص ۱۲۴-۱۲۵.
۵. کیستی‌اند، حسن، سیاست موانع‌زمینی (تهران: مصداق - اسلامی، ۱۳۲۷) صص ۲۱۳-۲۱۰.
هجر و مرگ پس از حمله مشترک و چابه‌چایی قدرت در بیشتر مناطق و نیز کمک‌های قومی و مذهبی، وجه غلب وضعیت داخلی ایران بود که کنترل نهادهای ملی‌یار بر امر به‌کلی از بین می‌آورد. در تنها درگیری‌های بین سلسله‌های و مسیحیان رخ داد تا چنین که کنترل برخی‌ها هنگام داد احتمالاً با خروج مشترک از ایران این درگیری‌های قومی و مذهبی بسیار شدت خواهد داشت. همچنین در مرحله سال سال 1321 نبردهای شوری در مشهد مجروح شدند حفاظت از محله‌های یهودیان را بر عهده‌بگیرند. از سوی دیگر هشتمد سلسله در اواح که از شایعه روده شدن یک کودک مسلمان توسط یهودیان شده بودند، تلاشی برای تنیس محل‌هایی را به اثبات بکرند. در کمی‌رو گروهی به رهبری یکی از روحاونیون با حمله به محله‌های زرتشتی‌ها نفری را کشتند و خانه‌های سیاسی را غارت کردند. 1

نهاد مجلس در فرآیند قانون‌گذاری و استقلال رأی در دوره محمدرضاشه (الف) ساختار کلیدی قدرت و فرهنگ در دهه اول پهلوی دوم برای بررسی ابعاد سیاسی و گفتمان فرهنگی سیاسی غالب آن، ضرورت دارد تا ویژگی‌های ساخت قدرت در دوره پهلوی مورد بررسی قرار گیرد. تبلور این خصوصیات در عرصه‌های فرهنگ و اجتماع این دوره مشهود است؛ به‌عنوان رابطه دولت با فرد یا دولت با گروه‌های اجتماعی، موضوع جامعه‌شناسی سیاسی است. گرچه این روش در بیشتر مسائل دیگر از این ساختار و بررسی رابطه ساخت قدرت سیاسی و در تدوین و پیوستن اجتماعی هم وابسته است به‌خصوص قدرت عمومی و جوزه خصوصی را تبیین می‌نماید. در بررسی تعلیم حوزه دولتی و خصوصی به وجود قدرت دولتی از سوی سو و جامعه مدنی آن سوی دیگر بی‌بیم و در این راستا می‌توان نسبت بین ساختار قدرت و دولت با تکامل دوره از یک مدل سیاسی اجتماعی را ارزیابی کرد. فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دهه 1300 از یکدیگر منفک نبود. این سیاست‌ها وقتی جنبه عملیاتی به خود گرفت، در یک سطح نهادی و بروکراتیک، تحقق یافت. بنابراین سازمان‌های فرهنگی این دوره، اغلب تمرکز بافته و هماهنگ و همسان بودند و هدف آنان پکس‌سازی فرهنگی داشتند. با توجه به اینکه دهه 1320 دوره انحصار جامعه ایران بود، بزرگ و سرخوردگی اجتماعی و سیاسی ایران در مواضع با سیاست اشغال نظامی و انواع بحران‌های داخلی برآمد از آن، باعث شد تا ساختارهای خاص قدرت به شکل وابسته به خارج و در عین حال آرام شکلی بگیرد. در دوره فاجعه و پهلوی اول، شاه دیوانیان و زمین‌داران اجازه مطلق قدرت سیاسی این اقلیت هم در دوره قدرت در سیر قول به گسترش دیوانسالاری اداری و نظامی که در روزگاری به خود گرفت به طوری که به‌خصوص به خود داران و شاهزادگان و تأسیس مجلس سنای، بر گسترده قدرت و توانمندی شخص شاه فردوسی شد و واسطه روافذ روزافذ نخبگان سیاسی و دیوانیان باعث کشش آنان در تحول سیاسی و اجتماعی گردید. از نظام سیاسی اقتصادگر یکپارچه دوم، شاه عنصر اصلی ساختار اجتماعی بود و نشان اساس برا تحول سیاسی اقتصادی و اجتماعی ایران داشت و تأثیر آن بر نحوه تکرک دستگاه حکومتی تجییل یافت. به طوری که در این نوع

1. روشن، بیژن، جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه محمود مشتری‌ی (تهران: آشتیانی، 1363، جلد اول)، صص۱۶۴، ۷۵ تا ۶۷، دوبلیه، ایرج
2. کاوزیان، محمدعلی، دموکراسی استبنا و نهفته ملی (تهران: نشر مرکز فکری، 1372)، صص۲۱۴، ۲۱۰
نظامیه‌های سیاسی حکومت همچون تناهی مسلم برهمه شنو و عرض‌های سیاسی و اجتماعی تبور

1. نام توان و امکانات جامعه در راه اهداف نظام سیاسی تجزیه می‌شود و این ساختار چرچ هج مستقیمیت در مقابل ملت‌نداشت. شاه مافوق قانون و طبقه بوده به هیچک از آنان محدود می‌شد. طباعاً

شما در این نوع ساختار سیاسی به تشکیل تمرکزگرایی در امور مختلف میریادت. ساختار قدرت اقتدارگر

گرچه بايد به پشتیبانی مشروطه، محدود و مشترک به انفیز از قانون و تعدادی مدنی متشکل اما به خاطر

عوامل داخلی و مسائل خارجی در کل دوره به‌طور کامل تازه‌گرفته‌شده کرد. در ساختار اقتدارگر، بازیگران

اصلی و رسمی دستگاه حکومت صرفا برادران آباداها و تعلقات خارجی‌گی به کار گرفته می‌شدند. در دوره

به‌طور دوم هنگام اقدامات نهادین در راستای توسعه اداری و نظامی، ضمن به عقب رانده‌می‌آید، ایشان از

نگاهی به‌طور دوم در راستای توسعه اداری و نظامی، ضمن به عقب رانده‌می‌آید، ایشان از

شکافتها دیدگاه خود را در مورد نوع حکمرانی، به فراموشی به‌منظور اجتماعی نسبت داده و

معتقد بوده که کلیه که سه چهارم آن سواح خودن و نوشتن ندارد، نه‌نار هنگام اصلاحات، اعمال

شکافته‌های دیکتاتوری است. در این شرایط، ساختار قدرت به ویژگی‌های غیررسمی همچون اعتیاد

مناسب بر اساس اطاعت از شاه و وابستگی به ارتش و اتکای به درآمد‌های نفتی آبده بود.

ب) تأثیرگذاری نهاد مجلس از بستر‌های ضعیف و مواد نوساز

افزایش کنترل حکومت بر منابع قدرت، احتمال مشترک و رقابت سیاسی را کاهش داده و مانع از

ایفای نقش نهاد مجلس می‌شد. جامعه ضیافت و وجوش شکافتها استرش نتایید فردا در آن، منجر وصول به احکام

کلی درباره اهداف زندگی سیاسی گردیده و از تکنیک جارچوبهای لاک برای مشارکت و رقابت جلوگیری

می‌کرد و به استقرار نظام سیاسی غیرقابلی القای یاری می‌رساند. همچنین غلبه فرهنگ سیاسی رقابت‌سازی

می‌بود و در حکم و اطاعت از بالا به باین و مقصد بودن حکومت در ایران بود، این قدرت اساساً مقدونیه به شمار امد و هرگاه میان قدرت و قادتان مضطرب فصل به‌ایجاد اجتهاد، توزلی اساسی قدرت و

مشروطه، شورش را به دنبال داشت است.

به لحاظ بستر‌های فرهنگی نیز می‌توان گفت که فرهنگ سیاسی ایران به دلایل مختلف و پیچیده،

عتمدتاً فرهنگ تابعیت در مقابل «فرهنگ مشترک» بوده و مجرای جامع‌یابری و فرهنگ‌پذیری،

روه‌ورفته، این گونه فرهنگ را تقوای می‌کرد است. اگاه سلطنت پهلوی بیشتر بر یک رقابت متعادل

بین فرهنگ‌های مفید، مشترک بوده که منابع مشترک گسترش‌مرد در امور سیاسی می‌شده است، این

موقعیت پیامدهای عمیقی برای دلته ایران به همراه داشت؛ بهطوری که رهیم شاه در معرض خطر را به

افزایش قرار گرفته. از نظر ساختاری سلطنت پهلوی نوعاً یک رژیم سنتی بود. بنابراین تأکید آن بیشتر

1. زبان‌گلا، مصطفی تحویل‌های سیاسی و اجتماعی ایران بعد از سه‌هزار (تهران: سمت، 1385) ص 141.

2. گفتگوی، جزیره‌های ما، بخش اول (تهران: پوستین، 1377) ص 120.

3. خاطرات ناصر مصلح، «مختصر اسلام‌ها» (تهران: انتشارات علم‌گویهای بنیان‌های من و شاگردان، 1377) ص 616-619 و نیز: گزارش، راپرت، ایران. سراب قدرت، ترجمه فیروز فیروزی (تهران: سهبت، 1358) ص 84.
بر‌«سیاست حفظ سیستم» فرآب گرفته‌بوط‌تا ایجاد تغییرات اساسی در سیستم‌موجه. ایران نیر جامعه‌بود که در این رشد بسترش از توسعه به نظر مری‌سید. از رژیم حلف‌سرد ایران، قدرت سیاسی در شخص شاه، منظرک‌بود و نخیبان‌سیاسی در مجموع، گروه‌کوچکی را تشکیل می‌دادند. گروه نخیبان‌سیاسی منتب، همگی عضوی گروه‌نخیبان‌رسمي‌بودند و ممکنه‌های سرمی در ساختار دولت‌را از اشغال خود داشتند.

موانع اصلی تقویت نهاده‌های سیاسی جدید در ایران
الف) غلبه‌فرهنگ‌روستایی و عاشقانه
بررسی مدل‌فرهنگ‌روستایی و عاشقانه، حاکی از این واقعیت است که خویشاوندگی‌آمیز و احساس تعلق به این و طایفه، از اهمیت‌فوقالعاده‌ای برخوردار بوده است. ریشه این موضوع به تجربه‌های ایل و طایفه در مورد چگونگی حفظ امنیت و ادامه حیات آن بر می‌گردد. در این رویکرد فرهنگی، فرد به تناهی قابل تصور نیست بلکه فرد همان ایل است. در فرهنگ روستایی و عاشقانه، ارزیابی‌فرد، منوط به موقعیت‌خانوادگی اوت. نشتر حاکی می‌گردد که او گذشته‌نیست و نمی‌توان به وی تعلق نمی‌گردد بلکه کل خانواده را نمی‌شامل می‌شود.

اگر وقتی عضوی از یک خانواده، ارتقای اجتماعی می‌یافته، در حقیقت‌خانواده‌اورتتقا‌بدا می‌کرد. از طرف دیگر، فرد در زمان ارتقای اجتماعی می‌کوشید تا دست‌ساز اعضای خانواده و قوم خوشی را نگیرد تا آنها نیز از مراحل اجتماعی برخوردار شوند. نظام عشیره‌ای، آثار بانی‌اندی در محیط‌زیستی نظام سیاسی - اجتماعی ایران در دوره‌پهلوی اول و دوم داشته است. به طوری که امروز، هم‌جهنم عامل شکل‌دهنده فرد در جامعه و ماهیت و فرهنگ نظام سیاسی بوده، بینن از ناحیه بنام‌سیاسی در ایران ریشه عشیره‌ای. داشتند. فرهنگ عشیره، فرهنگ سیاسی و فرهنگ اجتماعی آن‌ها تحت تأثیر مبانی‌خویشاوندی، امتیازی‌آمیز، احساس پیگیانگی نسبت به بیرون‌از شهره‌و‌روستا‌نور و نظام فکری بیت‌شایع‌بوده است.

ابن سهل، عوام سیاسی فرانسی برای حاکم‌های و نهاده‌های جدیدی همچنین پولسک شورای‌ملی داشتند. وی‌گه‌های این‌فرهنگ‌سیاسی‌عبارت از: فرهنگ حذف رقای‌کلامه‌بهر؛ افراز گفته‌برای وای‌وای‌فرهنگ‌افزای کلیدی‌روش‌مرکب‌برای‌حل‌و‌فصل‌اخلال‌و‌پناه‌ارتقای‌افراد‌قریب‌که‌عقب‌یاف‌از‌خدود‌نادارد؛ مبارزه با استعداد؛ فقیدت رقایت و انتخاب‌بر‌اساس‌اهیل‌و‌تعیین‌و‌اطاعت‌به‌اعتماد‌شدید‌افراد‌نسبت‌به‌یکدیگر؛ فرید‌حوری‌در‌حد‌مطلق‌قاعده‌گر۲۰۰۲۰ و قانون‌گر۲۰۰۲۰؛ عدم‌تحرک‌فرد؛ فرهنگ‌دزدی‌و‌غارت‌؛ فقیدت‌امتیاز‌شناور‌بودن‌مدیریت‌ها‌و‌حاکم‌بودن‌دیوان‌سالاری‌مثبت‌بر‌خویشاوندی‌که‌محصول‌و‌آثار‌آن‌نسبت‌به‌شکل‌زبان‌فرهنگی‌-سیاسی‌نگاره‌نگار،‌توافق‌ناظم‌اجتماعی‌در‌حدد‌امتیاز‌و‌عدم‌شکل‌گیری‌فرهنگ‌سیاسی‌غلاینی‌مثبت‌بر‌استدلال‌،‌معاشرت‌فرزندوی‌مناوجه‌فاکری‌انهکس‌یافته‌بود. 2

1. بشیری، حسین، موانع توسعة سیاسی در ایران (تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۰) صص. ۶۴ تا ۶۷.
2. سریع‌الف، محمدرضا، علی‌محمد توسیع‌سیاسی‌و‌بر‌توسعه‌نگاره‌در‌ایران‌(تهران: مرکز تحقیقات‌حال‌سازی‌۱۳۷۷) صص. ۳۸ تا ۳۹
3. همین‌نامه‌نشی‌فرهنگ‌سیاسی‌ی‌مجله‌اقتصاد‌سیاسی‌افتتاح‌ش، ۱۳۷۵ ماه‌۱۳۶، ۱۳۶، ۱۳۶، ازد و دی. ۱۳۷۷ صص. ۲۴۲ تا ۲۴۳.
در دوره‌ی پهلوی، با وجود تغییر نظام سیاسی و تقلیل قابل توجه قشر عشیره‌ای در نظام حکومتی، در اثر فجتعلکی برای جرختند ملت‌ها و مملکت‌داران مبنی بر استندال و مواجهه فکری و قانون‌گرایی، هم‌چنان مبایی فرهنگی نظام عشیره‌ای به نظام‌های سیاسی ایران سیبی افکده و به تبع آن، این امر با عملکرد مجلس شورای ملی نیز انعکاس منفی داشته.

ب) پایین بودن سطح آگاهی سیاسی جامعه

در دوره‌ی پهلوی، منظور از آگاهی به عنوان یکی از عوامل بین‌المللی اجتماعی، آگاهی مرم درست نسبت به حقوق و وظایف و پی بردن به سلسله‌ی اجتماعی به‌ونهایت چه روابط و منابع موجود در جامعه را بی‌اثر بررسی کرده و از زمینه‌ی حل مسئولیت بهزیستی و تحلیل قابل‌اند و هر گونه عمق و اصولی به بنیادهای اجتماعی توانایی علمی و فکری را بی‌یافته نمود. بدون نیاز، مشاور سیاسی، نیازمند آگاهی است. اطلاع از وضع سیاسی حاکم و دیدگاه‌های مختلف موجود، پیش‌بینی مشارکت آگاهانه می‌باشد. در دهه‌ی اول پهلوی، او گرچه حضرت نیروهای خارجی در ایران نوعی تحکیم گروه‌های اجتماعی را علی جوّ چالب و حاکم ایجاد کرده بود و در فضایی باز نسبی سیاسی، احزاب و روشن‌نامه‌ها فعالیت‌های جدیدی را آغاز نموده بودند، اما مثلی به‌سوی هم‌جنگان در میان جامعه یک پایگاه پراهمت‌برای سلطة ملکه‌ای و شاهزاده‌ی سیاسی و اجتماعی آن قلمی می‌شد و مسلماً بر ساختار و عملکرد مجلس اخیراً بود. مسئله عدم آگاهی سیاسی، باید عمد شکل‌گیری نظارت بر امور نهادهای می‌شد که به‌جای انتخابات عمومی تشکیل می‌شدند و این مسئله شامل عدم آگاهی گروه‌های جامعه از حقوق سیاسی و اجتماعی خود نیز می‌گردد.

ج) بروز احزاب کارآمد و تعیین آن‌ها توسط خانواده ملکه‌ای قدرت

در دوره‌ی پهلوی، اکثر احزاب سیاسی، متشکل به‌فرد بودند و به اصول و ارگان حزبی، و به همین دلیل، دیدگاه‌ها و موضوعات حزبی با تغییر وضعیت و درگیری حزب در انتخاب‌های صورت انتظار نمی‌رفت که احزاب اکثر آمیز قابل ملاحظه‌ای بپردازند. احزاب، شکل خاصی از سازماندهی نیروهای اجتماعی بودند و خود به عنوان یک سازمان، تحت فشار گروه‌های و علایق اجتماعی مختلف قرار می‌گرفتند. در کشورهایی که دارای نظام حزبی جافتاده‌ای هستند، احزاب سیاسی به عنوان حلقه‌ی پیوند میان منافع اجتماعی و نهادهای تشکیل‌کننده سیاسی عمل می‌کردند، احزاب سیاسی تحت شرایط خاصی بیدر آمده بود. یک مثال تغییر قابل ملاحظه‌ای از جمع‌بندی باید از لحاظ قانونی، اجتماعی و اقتصادی آمادگی مشارکت در جایه‌ی سیاسی را به دست آورد. در جوامع سنتی و ایدئولوژی که انتظارات و علایق و منافع مردم بسیار کوچک هستند و جامعه آن‌چنان ساده است که نیازی به واسطه بین مردم و حکومت نفس نمی‌شود، خلاً برای به‌وجود آمدن احزاب وجود ندارد و مستقیماً حکومت با مردم ارتباط دارد ولی در جوامع پیشرفت، مردم صاحب حقوقدست و خود را بر سرنوشت خویش حاکم می‌دانند، حکومت را انتخاب و دستور و نکل خود می‌دانند؛ بنابر این، دو فاصله (فضاهای عمومی جامعه‌ای در) و این خلاً، را که به خلاً عمومی یا

۱. بشریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۴، چاپ دوم، صص ۸۸۹-۸۸۸.
۲. همی، ص ۱۲۳.
همان جامعه مدنی معروف، است. باید با وسایل مختلف از قبیل مطبوعات و احزاب پرکرد. وجود احزاب برای حفظ حقوق و منافع اشخاص که در جامعه، منتفاوته هستند لازم به نظر می‌رسد. در کشورهای سنتی و توسعت‌نافذ، اجازه ظهور و فعالیت به آن‌ها داده نمی‌شود؛ از خوی آنها معایب و نقص‌های دیگری، مطرح و به

تبع آن، وضع موجود دگرگونی شد.\(^1\) در ایران نیز جنین و ضعیف‌تر حامی بود و میان‌مرجع برخوده‌های غیرقانونی حاکمیت با گروه‌ها و فقدان ساز و کارکردهای برای پیگیری حقوق سیاسی افراد، ضعف اقتصادی، نگرش حکومتی به احزاب مختلف به عنوان دشمن و مورد بی‌طاقی، عدم تناسب قواعد و هزینه‌های مشارکت در احزاب، نگرش حکومت به فعالیت حزبی به عنوان یک امتیاز که از سوی حکومت به افراد تفویض می‌شد و به یک حق که افراد ذاتی ویانه‌ای هستند، به‌طور افتاده، اینرفاتی، احساس تقلب میان رفتار حزبی و وفقی اجتماعی، مواجهه سرکوب‌گری در حکومت‌ها با احزاب و گروه‌ها در دورانی به‌حکم و از سوی دیگر وجود گرایش‌های اندازه‌ای در برخی گروه‌ها - که این گروایش‌ها میان کمونیست و کمونیست‌تر می‌شود - عدم شفافیت در فقرات اقتصادی، تشکیلات احزاب و آشفتگی نظام حقوقی آن‌ها، مانند از شکل‌گیری و توسعه جامعه مدنی شدند. بنی‌دیر در بخش دوامی است که نهادها از ثبات نسبی برخوردارند و البته این ثبات نسبی، تاثییه از کارکرد آنها نبوده است.\(^2\) این مسائل و موانع، باعث شده است که در ایران، احزاب و گروه‌های سیاسی با وجود نداشتی و یا اگر وجود داشته باشد به معنی و معنی نبوده و غالباً در تحولات کشور و سرنوشت ملت تأثیر چندانی نداشته باشد. احزاب سیاسی موجود در ایران دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی بوده‌اند که این ویژگی‌ها و خصوصیات باعث انحلال آن‌ها و یا عدم ایفای نقش در صحنه محولات کشور شده و نابینایی ویژگی‌ها و تأثیرگذار به شمار نمی‌آمدند. در نتیجه، قواعد حزبی در ایران کوتاه‌بوده و عملیاً پس از جنگ صاحبی که از فضای بار سیاسی می‌گذشت، این فضا توسعه حکام مستند و زندگی‌بی‌سیاسی آزادی پیش از آن‌ها به تمامی چه‌چددی شود، پیش‌چددی می‌شد. ساختم قدرت مطلقة دولت در عصر پهلوی، زمینه‌ی نوسازی اجتماعی و اقتصادی را فراهم اورد.\(^3\) اما فرامی‌گاه مرکز مبنا قدرت و ابتدا ساختار دولت مطلقه، خود موانع، عده‌ای بر سر راه گستر شد. مشارکت و رقابت سیاسی در هر سطحی ایجاد می‌کرد، با اینکه، گرچه نتایج تحولات سیاسی این دوران می‌توانست در نهایت به حال توسعت سیاسی مساعد باشد، اما شوید اعمال قدرت و ساخت دولت، تعیین کننده‌ترین مانع در این زمینه به شمار می‌رفت.

\(5\) ساختم قدرت سیاسی، عده‌ای عمده در توسعه مسئولیت مجلس

\(1\) ذاکر، همان: ص۱۱.
\(2\) محمدی، مجید: جامعه مدنی ایران: استراتژی انتظار و موانع (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۷) ص۱۲۸.

Departamento de pesquisa e ensino. \(1938\)
از هم گسترش و پیشرفت دولت فارس، ایجاد تحرکات اقتصادی و اجتماعی و وارد کردن مردم به مشارکت در حیات سیاسی جامعه بود.

خواسته‌های عده‌ای انقلاب مشروطه، یعنی حکومت قانون و باران و مشارکت آزاد گردها در حیات سیاسی، با تکوین ساخت دولت مطلوب غیرقابل اجرای کار شده، اما خواسته‌های اولیه دیگر از انقلاب، بی‌پایه اصلاحات برخورداریک و مالی و اموزشی، نوسازی فرهنگی و گسترش نوعی ناسوسیسمی ایرانی، درنتیجه تکوین ساخت دولت مطلوب، مجال تحقق یافتند. حکومت رضاشی و سپس محمدرضاشی با متمرکز ساخت منابع و ایجاد قدرت ایجاد وحدت ملی، تأسیس ارتش ملی، اعمال قدرت پراکنده، ایجاد دستگاه برگزاری جدید و اصلاحات مالی، ثابت‌کردن منابع مالی و تمرکز منابع آداری، مبادی دولت مطلقة مدرن را به وجود می‌آورد. ایجاد نظام دولتی مدرن همگی نیازمند استقرار ارتش نظامی، و روی هم‌زیسته و راه‌پرشی شرایط مطلقة از سال 1320 به طول انجامید. طبقاً اعمال اصلی تجدید مباین دولت مطلقة، داراب سلطنتی بود که در نقشه دورو‌های مختلف به‌تدریج رقابی سیاسی را یکی پس از دیگری از صحنه خارج کرد.

ابزارهای قدرت مطلقة در دوره قدرت ناشی از اشغال ایران، عبارت بودند از حزب، ارتش، و برکاری، حزب دربار یا حزب ایران نوین، سازمان نوین سیاسی بود که دربار بی‌پایه اعمال کنترل بر مجلس و حکومت، برای عادل سیاست‌ها و اصلاحات خود ایجاد کرده بود. حزب زمین‌زمین الاف از ساخت جدید قدرت مطلقة به شمار می‌رفت. حزب ایران نوین نخستین حزب درباری بود که توانست با موافقت بر مجلس و قوا مجری سلطنت گردد. ارتش هم به عوان مبتنی از ارتش ایجاد دیگر دولت مطلقة جدید، به ایفای نقش می‌پرداخت. ارتش، کارآمدترین سازمان قدرت دولت مطلقه بود. همچنان ایزدیگر فرآیند اعمال قدرت، فرآیند تمرکز منابع قدرت بود که پیاپی‌ساخت دولت مطلقه، مانع عمدی‌ای بر سر راه گسترش مشارکت و رقابت سیاسی در هر سطح ایجاد کرد. به تعداد قدرت سفید اوج فرآیند درمند انتخابات و تمرکز منابع قدرت سیاسی از سوی دربار بود که تا حدی پایه‌گذاری اجتماعی جدیدی در بین طبقات متوسط برای رژیم به وجود اورد لیکن مجازی مستقل و نهادمندی برای مشارکت آنها در زندگی سیاسی ایجاد نکرد.

۴۰
نظام‌های فکری و عقیدتی جدید است که طبقاً کمی و بسی به‌نشانه‌های موجود در تعارض قرار می‌گرفت. در ایران جنین تعارض از برخی از نویسندگان ایرانی به شکوه تحلیلات برای آزادی از اواخر قرن نوزدهم به بعد، حدود فرهنگی جامعه را تحت تأثیر قرار داد و تخلیه‌ی در ساختار اجتماعی به وجود آورد. از لحاظ تاریخی، میزان مدنی دو فکری ستند و مدرنیسم و تعارض اجتماعی میان غرب و تطبیق نامیده‌اند. ژن دریویه یکی از تعارضات و زندگی‌های اصلی در جامعه ایران در قرن بیستم را فراموش نموده است. با گسترش ساخت دولت مطلوله، شکاف و چند بارگ فرهنگی تشدید شد. برخی از این دنبالگ راه تعارضات طبقاتی حاصل بیانی جامعه و بیشتری از این دنبالگ‌ها متی در ساخت دولت سنتی در ایران بود که هنوز قم را در می‌گرفت. زندگی‌های ایرانی ناشی از سبیله‌ها و نتیجه‌های حاصل بیانی جامعه و بازآموزی از سبیله‌ها و نتیجه‌های حاصل بیانی جامعه و بازآموزی از

ساختار و کارکرد مجلس شهریه ملی شاندندگان حق مرکز ملی
الف) طرح‌های مجلس سیاسی در عمر بزرگ جهانی
ساختار دولت و خلاصه‌ی باعث شده بود که مدت‌های نیمه کار مهم و اجرای مجموعه عمار وام‌من، نمایشگاه‌های اصلاحات اداره امیراز و خروج از کارها و امور را و زیر بخش ماشین‌ها مورد تحقیق قرار داد که بیشتر شاه بود، در میان مردمی‌های مختلف مطرح شد. که طوری که از این پس جان بحث مطرح گردید که وزارت باید با همکاری و حمایت‌های نماینده‌گان ملت و مصالح و مقیاس‌سازی کشور، قدم‌های مهم و اثراتی را در راه ترکیب و تعویض کشور و ترمیم افتخارات این شکوهی برگرداند.

این تجدید حیات و طول مدت در میان کنشگران فکری و اجتماعی ایران در شهریور ۱۳۲۰. در روشنایی اطلاعات به شکل جالبی انکاس ایجاد است:

۱. می‌گویم امروز آزاد شدیم; دست‌بزدنا را از دست یافتیم اگر چه ما در اینجا بودیم. آن‌چه که

۲. می‌گویم ما از کجا می‌توانیم؟ از کجا می‌توانیم؟ از امروز، نمایندگان ملت می‌توانند از منافع ما دفاع کنند. از امروز، هر ایرانی می‌تواند با اطمنان خطر خانش را اباد کند و از امروز، استاد ایرانی می‌تواند بی‌خدایه به

شادگاه‌های دشمن به‌دست آورد. آزادی‌ها، گذرانی نمی‌تواند به‌واضح تمام این خطوط و توضیح‌های پس از آن را فقط می‌توان برای درک هم‌جهانی که از سقوط رضایت به وجود آمد، بود، تحلیل و ارزیابی کرد و گرایش‌های کسی می‌توانند به‌دیدن که در جامعه‌ای که فرهنگ سیاسی آن به سبک تداوم عصر رضاخانه‌ای ادامه داشت و اخرباز و گروه‌های مستقل آن به‌سرعتی شکل گرفته و حتی فلسفه و وجودی مجلس را درک تکرده بود، یک شب همه چیز پای می‌الله آن شد، به‌خصوص آنکه ایرانیان صرفاً به اشغال نظامی متفقین و در راستای تصمیمات سیاسی قد در بزرگ در عرصه جهانی، به پایان عصر ضیاء‌الراذیه رسیدند، به‌هر حال، همچنان که در محتوا و روزنامه‌های تجدید/ایران، اطلاعات و تلاش‌ها و مقالات برجی نماینده‌گان مجلس سال ۱۳۲۰ مشهور است، پایان دوره‌ی بنگی و آغاز دوره‌ی آزادی واقعی که دیگر کسی نمی‌تواند مجلس و روزنامه‌ها برای مقابله خود و سیاست قرار بدهد.
جشن گرفته شد و از مجلس و روزنامه‌ها به عنوان دو پایگاه کسب اقتصاد جدید ملت و آزادی و آزادگی آنان بحث‌های قرآن و تحریجیه‌ها به عمل آمد. روزنامه‌ها جنبه‌دار خواسته داشتند اگر انتخاب نمایندگان توسط رضاشت و یا تشکیل کمیسیون ارسی و جوامع سلطنتی پرداخته که این مسئله صرفاً در قالب ترقبات یک‌شبی فکری و فرهنگی قابل تفسیر است.

محمدعلی فروغی که در شمشهر ۱۳۲۰م. مجدداً به نخست‌وزیری رضاشت رسیده بود، تلاش زیادی در هفته آرام کردند و فروغی همراه با ملت را به مراحل و نیایش شان دموکرات امیدوار نمود. انتخابات مجلس سیاسی‌ها به دستور رضاشت در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۳۰م. صورت گرفت. بود که به روش منطقی و سقوط شاه، نیمه‌کاره ماند. در این شرایط، با ارسال نمایندگی برای شایان نوشته‌ای راه‌پیمایی، نظام اعتراض‌های ملت و طبق اجراهای و ریز و قبول دربار سابق صورت گرفت، و این وکلای هفت دوره است که بدون آنکه روح ملت از آنان بازخورد، به مجلس ملت وارد شدند. در این وکلای هفت از مشخصات و انتخابات تهران با تجربه و اصول و سایر گروه‌ها رسیده بود. اما ناکامی‌ها ویژه‌ای مجلس سیاسی‌ها داشته بودند. ۵

بدین ترتیب، شان و جابه‌ها و کلای ملت و پررسی اهداف داخلی آن در ادّاره‌های طی به عنوان محوریتین بحث پس از خروج شاه سابق و در اگر اگر اگری خبری و فکری ایران مطرح گردد. آنان و کلای انتخابی برای مجلس سیاسی‌ها را حاصل و برکت روش انتخابی رضاشت می‌دانستند. آنان اگر وکلای ادوار قبل را تحملی دانسته و معقد بودند. شاه سابق رفت آما وصولین حقوقی که به پرده و به کرده‌اند، باقی ماندند. اگر از جمله آنان مجلس و نمایندگان تحملی شاه هستند. ۴ در این شرایط، فروغی نخست‌وزیر در پاسخ به عریضه عمومی اعلام کرد که دولت حق ندارد در انتخابات داخلی با بهره‌برداری صورت‌گرفته، نظرات بر انتخابات است. دولت از پنج روز از عثمانیه‌ها و انتخابات در مورد مسئله‌های انتخابات مجلس سیاسی‌ها مناسب کرده و نهایی انتخابات را تایید شد. موضوع دو دولت‌روس و انتخابات در مورد مسئله‌های انتخابات مجلس سیاسی‌ها نیز با موهبیت دولت انتخابات را اجرا کرده‌اند که در غافل‌ها و ارگان‌ها که به غذت نفوذ کرده‌اند، مستند کرده‌اند. نمایندگان طرفدار آلمان را در دست بگیرند. پس از آن به خواسته منطقی، دولت فروغی پیمان دفاعی و اقتصادیایی با ایسکان بست که در صلح پنجم آن، ب단 خروج منطقی از ایران به عنوان چند محروم‌دشته مثابه جنگ با آلمان، مورد تواناف قرار گرفت. ۴

وضعیت اجتماعی ایران با ورود منطقی و آسیب‌زا ناشی از شرایط جنگی و سقوط سلطنت مطلقه رضاشت با هرمان در تاریخ بزرگ و جمهور انتی‌های شد. ۵ ساختری‌ها لازم برای احیای قدرت مطلقه

1. کهنم، گولی. تاریخ سیاسی و سیاسی در ملت‌های ایران (بهرام، انتشارات آگه، ۱۳۶۰) صص. ۱۴۲-۱۴۱.
2. سنگهار، ش. ۱۲۰۰، مورخ ۲۷ آبان ۱۳۲۰.
3. همان ش. ۱۲۶۹، مورخ ۱۴ آبان ۱۳۴۰.
4. اطلاعات وزارت به، ش. ۱۴۸۴، مورخ ۱۳۲۰.
5. کوه‌خان، ش. ۱۴۷۹، مورخ ۱۱ آذر ۱۳۴۰.
با کمک کن‌گرگان اصلی ساختار قدرت تجدید حیات یافته و اداره املاک اختصاصی تغییر نام داد و املاک در دست دولت باقی ماند و به صاحبان آنها منتقل نشد و سرائج در بهمن ۱۳۷۲ به درخواست شخص شاه با تصویب مجلس ملی به تمکن وی درآمد و تا ۱۳۷۲ در اختیار دربار سلطنتی قرار گرفت و بعدها نیز به دهه‌های فرودیت شد.

ورود نیروهای مشترکه به ایران و سقوط سلطنت مطلقة رضاشت گرچه در ذکر مسایل اجتماعی جامعه ایران مؤثر بود و زندانیان سیاسی آزاد شدند و مطوبره و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی به فضاهای پرداختند و مردم از زیر فشار سخت و سلطة رضاشت نجات یافتند و به سوی مبارزات سیاسی کشانده شدند.

اما مسئله مهمی که همان‌الیکت به مدیریت مسئولین زمین قدیر اجتماعی مستقل بود، مسئله عدم شکل‌گیری سازمان و جهانی واحد از کن‌گرگان عصره دموکراسی و آزادی طلبی بود که با این شرایط امکان اسنجاب‌پذیری به هیجاتن و گراشی طبق فتاالن سیاسی و فرهنگی درون جامعه وجود نداشت. از سوی دیگر به دلیل عدم رشد فرهنگ سیاسی جامعه و عدم شکل‌گیری طبقات مستقل اجتماعی، فقاییت سیاسی منسجم و حرفه‌ای نیز امکان‌پذیر نبود.

شیوع قحطی و فقر عمومی در اثر شرایط ناشی از جنگ و اشغال ایران، از شاخه‌های وضعت عمومی ایران بود. در چنین اوضاعی همچنین ارتباط منظم بین شهرها و روستاهای رود واردات صادرات و بالا مفتون تفاوت‌ها از دید عمومی، بر وجود داخلی و خارجی ایفای نقص و تلاش نهاده‌ای دولتی می‌افزود. در این شرایط و بی‌توجهی مسئول‌اندیشه مردم، دستکاری نظام سیاسی و نظام‌بندی سازمان‌های عاملین، دیدگاه عاملین جامعه و عدم تنها اقدام قوانین راهبی خود از کسب اجازه مجلس ملی در اواخر آبان ۱۳۴۱ با یک دو فوریت طرح انتشار مجدد اسناد را برای تصویب به مجلس واصل کرد و بر اساس احتمالات متفاوت در ایران را تأمین نمایید. در شرایط بحران و پیگیری عمومی چون حکومت، همچنین ارزیابی پایه‌های قدرت خود بود و اجماع رهبران اصولی انبار از شاه جوان، لایحه‌ای را به مجلس برده تا اعمال را از محل دادگاه تأمین می‌آمده و خواندن از این امر به دانسته‌ها و احزاب‌های خارجی بگیرد. ۱. دادن چنین اختیارات باعث محرم شدن دربار و مجلس از کن‌گرگان دولت می‌شد. حال انسجه در همین شرایط، حضور متفاوت‌های مخصوص همین دولت‌ها جهت‌های این مجلس در حال حاضر خود را بناهای تأمین می‌کرد و ضرورت از اساتیدکارانهای مردم را به جلب و دعوت دوست‌ها و دوست‌ها به دوستان乡土‌هایی که به دانسته‌ها و احزاب‌های خارجی بگیرد.

با اخبار مسئله را به مجلس می‌برد که بر اساس آن جراید در نوشتن دربار جراید تا مشخوش شدن تکلیف مسائل مورد مناقشه در محاکم، ممنوع بودند.

ب) در اختیار گرفتن مجلس جهادی و تداوم حکومت نظامی

در اساسنده انتخابات مجلس شورای دوره دهم صرفاً وارد از خود کودکان ۱۳۷۲ هـ. دوبله رهبری علی رغم وعده لغو حکومت نظامی برای بهتر و آزادانه بودن انتخابات، در عمل چنین کاری نکرد. این مسئله با اعتراض

1. قوام، عباسی، موانع تحتای جامعه مدنی (تهران: قوام، ۱۳۸۲)، صص. ۱۳۵-۱۳۹.
2. اطلاعات، ش. ۵۷-۵۹، موزه ۲۹ آبان ۱۳۷۲.
روزانهها و برخی گروه‌های اجتماعی و سیاسی مواجه شد اما اتاق اصل حکومت نظامی را نقض آرائه انتخاب و عقیده و تعدادی گروه‌های سیاسی حزبی می‌دانستند. ۱ دوستان در این مورد، منبع بود که در قانون انتخابات و قانون حکومت نظامی نیاز‌های این تعدادی که پرکاری انتخابات با اجرای حکومت نظامی مانع‌الجمع است و البته در این شرایط، در دولت تمام تلاش خود را به کار بستند تا منع از نفوذ نماینده‌گان مردمی و واقعی شوند. ۲ در تهران جنگ نماینده‌گان از جمله مسئول و در استان‌های شمالی هشت کاندیدای حزب توده رأی اوردهند. دولت به منظور موافقت نشدن با سلسله‌ای انتخابات نماینده‌گان تحمیلی، درصد بود مسئول را قبل از پایان انتخابات تهران افتتاح نماید آناموفق نشدن و مجلس در اسفند ۱۳۲۲ افتتاح گردید و این نماینده‌گان غیرمردمی علی رغم اعضا مشترکه در اعتبارات مسئول بر اعتبارهای سیدی بای اطلاعات تهران، منصور مقبلی راه‌پیمایی‌ها شدند. ۳ باد ترتیب، استقرار مجلس به عنوان قوه قانونی گزاری، در عملکرد جدی خواسته دیگر شد.

واعزت محتوای رخ داده که مجلس چهاردهم در جریان آن مسائل قرار نمی‌گرفت. در موضوع امتیاز‌نامه‌ی نفت شمال برای اولین بار در مرداد ۱۳۲۳ بود که در جلسه مجلس، نماینده‌گان بجستنده به سوالی در مورد معاوضه‌ها مذاکرات نفت پرداخته و اینکه آیا مستشاران این جزوی یا نه مشخص اند. امروز آنجلس جلوه‌ای بلندی برای انتخابات است، بنابراین مسئول این دانش آموز روابط آنالیسی و آمریکایی برای انتخابات نفت به پایان، کمیسیون مسئولیت دوازده‌م جلسه ۱۳۲۳ زد و بندهای پیش بردند. به‌دنبال ادامه داشت و هم‌وقت دولت، سیاست استقرار را اتخاذ کرد و به هیچ امرگان و نهایی پاسخگو نشد. پس از کش و قوس‌زار، سرانجام دولت ساعد به مجلس اعلام کرد که هیچ دولت درصد است ظرف یافته دوی این موضوع نفت در مسکوت بگذارد، حال آنکه توضیحی در باب یک سال مذاکره با شرکت‌ها و کشورهای مختلف ارائه نداده و این صورت از دو هفته بعد عینی در میان ۱۳۲۳ در نظر می‌گیرد از مذاکرات جدید نفت سیاسی به میان آورده. در مورد این مدت و مدت مطرح می‌بود که دولت‌های ایران به دو جهت علاقه‌مند به اکسپورت نفت هستند: اول به منظور اقتصادی و دوم به دیگری برای ایجاد مناطق نفوذ اقتصادی به طریق که هرچه می‌خواهید، می‌کنید. ۴ انقلاب‌های نامزدی گرفته سکن و جایگاه مجلس و استراتژی‌ها ضعف دولت‌ها زیاد بود و تلاش‌ها برای تبادل مذاکرات نفت را ناکام می‌دانستند، به این تحلیل که: "هیچ حاکمیتی ممکن خواهد بود و در جنین شرایط‌ی اجرای سیاست ملی مقصود نمی‌باشد" و هم‌زنمان

۱. سردار، ش. ۱۳۲۲، موزه ۴ اریاء ۱۳۲۲.
۲. کی‌کیا، همنام. چ، ۲، صص. ۴۴۵–۴۵۵.
۳. داد، تبریز. ش: ۲۹، موزه ۲۴ تبریز ۱۳۲۴.
۴. سفر مفاخری کاندیدای مجلس شورای اسلامی مربوط به ۱۲ جمعه ۱۳۲۱، موزه ۱۹ مرداد ۱۳۲۳.
۵. داد، ش: ۲۳۰، موزه ۱۱ شهر ۱۳۲۳.
۶. موزه، ش: ۴۵، موزه ۱۹ آذر ۱۳۲۴.
۷. ایران، پ. ش: ۲۹۹، موزه ۲۲ آذر ۱۳۲۴.
جایگاه مجلس شورای ملی در ساختار سیاسی حکومت پهلوی دوم / محمدرضا احمدآرا

رقابت شدیدی بین روسیه تزاری و برنینی برای اعمال سلطه بر ایران و داشت و ایستگاه در حالی بود که این دو دولت هنوز تا اردیبهشت ۱۳۲۴ می‌بودند. در یک جبهه و به عنوان متفقین عليه‌المان می‌جنگیدند. متفقین با اشغال ایران صرف رضایت را از ایران خارج کردند و دستگاه سیاسی و ساختار جامع و ادامه حیات داد و در این مدت استقلال و مراکز اخیر مجلس تحت شرایط سلطه مورد سوال بود. به‌طوری که مقالاتی از روزنامه‌هایی در ایران ترجمه گردید که از امرهای شدید و از اگر هم ماده‌ای به نفع آن‌ها از مجلس گذشت، به قدری قانون را این سو و آن سو نموده‌اند که اجرای آن کاملاً جنبه احجاب و تعدی بیدارد کردی، ابتدا و همچنین در ایران شیوه حاکم.

(ج) نقش نهاد سلطنت در تشکیل مجلس پانزدهم با تشکیل نهادهای موازی

بعد از فرتر ابتدایی در مجلس چهاردهم، شرایط برای برگزاری انتخابات فراهم شد. دولت قوام دستور برگزاری انتخابات را صادر کرد. مذاکره در خصوص مسائل مهمی مانند نفت شمال و حل ماجرای شورش‌های آذربایجان و گردستان و وجود یک مجلس قدیمی‌تری را مطرح کرد. قرار برای اعمال نفوذ در انتخابات مجلس پانزدهم با دو حزب ایران و توده، حزب موسوم به حزب دموکرات‌های ایران را پدید آورد. دولت وی برای کسب بیشترین کرسی‌های مجلس برای حزب دموکرات‌های کشوری‌ها و این تلاش‌ها با نامه‌ای اعتراض سرگذشته در مصوبه دولت ندارد.

آقای نخست‌وزیر! وقتی که دولت در موقع انتخابات اقدام به تشکیل حزب نماید، تصویب عمومی، این است که دولت به نفع طرفداران خود از "تقدیر دولتی" استفاده می‌کند. در مطالعه آن را ارزاب تشکیل می‌دهد و در آن‌جا سابقه ندارد که حزب، مخارج دولت باشد.

وی سپس با عده‌ای از نمایندگان گرده‌های اجتماعی به دربار رفت و به عنوان اعتراض به عدم آزادی انتخابات در آن جا تحقیر کرد. در میان دولت، حزب‌های با اعلام اینکه از حق قانون‌ی خود در استفاده از انتخابات دوره پانزدهم محرمان است انتخابات را تحریک کرد اما حزب ایران با وجود اعتراض به آزاد نبودن انتخابات، در مورد شرکت کرد. سرانجام در ۲۵ تیرماه ۱۳۲۶ پس از یک سال و چهار ماه فتره مجلس پانزدهم افتتاح شد و وابسته وظیفه خطران شد که مشخص گردد کمکی، نت اجرا به خوبی نرفتند. دولت و شورای وی، در این دوره، سلطه در امور نهادهای مختلف موضع قانون، کامل شد. با این حال، اندکی مقاومت‌های مجلس و تلفیه‌های افشاغ‌ها در آن، به‌طور بسیاری بود که جا‌ای انتخاب محل کردن مجلس را ندارد.

از سوی دیگر، تشکیل مجلس سنای به عنوان وسیله برای اعمال قدیم و نفزون شده و در مقابل مجلس شورای ملی انجام شد و قوام در مهرماه ۱۳۲۶ هـ. با ادعای اینکه ارائه‌ای لاکچری دولت به مجلس شورای ملی برای تأسیس مجلس سنای نه تنها نقش قانون اساسی از سوی دولت نیست بلکه به منظور تقویت و استحکام
میانی مشروطیت است. ۱ یکه‌یاً دولت حکومی این لایحه را به مجلس برده و روزنامه‌ی داد به نقل از یکی از نمایندگان مجلس در انتقاد از مطرح شدن این لایحه ارده است:
چرا لایحه تشکیل مجلس شورای ملی را نمی‌آورید؟ … ملتی که نمایندگان را دیگران انتخاب می‌کند
و روح آنان از انتخاب آنها بی‌اطلاع است. چه امشن سنامش و چه مجلس شورای بارا از دوش ملت
برخواهی داشت. ۲

در الواقع، این اقدام به معنای تغییر قانون اساسی و افزایش قدرت شاه بود اما توجیه ارگان حاکم در تأسیس مجلس مسیح‌سان این بود که قانون اساسی کنونی از جمله سالیان پیش نوشته شده و در اثر نفوذ دارباران در تنظیم و تهیه آن، اصول مربوط به حقوق دموکراتیک ملت، خالی از ابهام نیست و بر اساس همین ابهام و تیرگی ناکنون حاکمیت ملت در کشور استقرار نیافت. ۳ شاه در نپوج اسفند
۱۲۷۷ هیش. در دیدار با نمایندگان در این خصوص گفت:
عوام افراد کشور، به ترویج قانون اساسی و مشروطیت بپرهازند نبی‌ند و مشروطه حقیقی به مفهوم واقعی مفهوم مندیدن در ایران وجود ندارد و با تغییر حق تجدید انتخابات برای رئیس مجلس، ملت بهتری می‌تواند در سرنوشت خود نظرات نماید و هم اینکه انتخابات خیلی صحت و آزاد انجام خواهد داشت و با توجه به عناصر فوق، ممکن شده که مجلس مسیح‌سان تشکیل دهم زیرا هر قانونی با توجه به پیشرفت زمان و به وجود آمدن وضعیت‌های دیگر، احتیاج به پاره‌ای اصلاحاتی دارد و راه این اصلاح

در قانون اساسی بی‌تینی نشده است و دوم درخصوص امل حهل و هم‌سئی خان‌است اساس. ۴
که مجلس مسیح‌سان این امل را بدین شکل تغییر داد که شاه می‌تواند یکی از مجلس شورای ملت و مجلس سنای جدایگان و با هر دو مجلس را در آن واحد مخل تماشای سپس از انتخاب تغییر در مواد جهانی ها هشتم قانون اساسی توسط مجلس مسیح‌سان به انتخاب که گفت که گفت که این انتخاب داده‌یا. برای نیت مشروطه بوده و با این کار مشروطیت که به وضع فلک‌داری دچار شده بود. نجات یافت. همچنین در دوره حیات این مجلس، یعنی برخی از اتفاق نمایندگان مستقل، موضوع عاطفی حق تصرف املاک رضایته به عنوان «موقفه» به دربار انتخاب گرفت. شاه شرطی ی از دولت و مجلس جنین خواسته بود تا تولیت این املاک را شخص شاه به عهده‌ی بگیرد. وزارت دارای برای اجرا این دستور موضوع را به شکل «لاجعه و اگذاری املاک» به مجلس شورای ملت تقاضای کرد و با اکثریت آرایی را به تصویب رساند. ۶

۵ مجلس شان‌دهم و توقف در عرصه نفت به عنوان اقدام ملی
دولت سعده برای پیگیری انتخابات و فرستادن نمایندگان دانلود خود تلاش دیده کرد و اعتراض انجام‌های نظامی بر انتخابات و استعفای دست‌گمی آنان منبع از عمل غیرقانونی دولت نشد؛ به همین
خطرات، این کمیسیون با اعتراض به انتخابات فرمایشی به تحریک در کاخ سلطنتی برداخت و پس از تلاش

۱. روزنامه نمایندگی، ۱۳۲۶ مهر ۱۳۴۶، ص ۱۲۴۷.
۲. داد و شد، ۱۳۲۱، مهر ۱۳۱۸، ص ۱۲۴۷.
۳. قیام ایران، شماره ۴۴: ماه ۴، ماه ۴، ماه ۴، ماه ۴.
۴. کیهان، شماره ۱۳۷۵، ماه ۱۳۷۳، ص ۱۲۴۷.
۵. اطلاعات، شماره ۱۲۸: ماه ۱۳۲۸، ماه ۱۳۲۸.
۶. همان: ماه ۱۳۱۸، ۱۳۱۸، ماه ۱۳۱۸، ماه ۱۳۱۸، ص ۱۲۴۷.
جایگاه مجلس شورای ملی در ساختار سیاسی حکومت پهلوی دور.../ محمدرضا احمدی

فراوان در آبان ماه، انجمن ملکی نظرت بر انتخابات تهران با استناد به گزارش‌هایی که در مورد جریان غیرقانونی انتخابات درمانف کرد، اطلاع انتخابات تهران و حجم را اعلام نمود و با تجدید انتخابات تهران کاندیداهای جدی‌تر می‌کرده و روبرو با دست مالکی و اخراج وخواندن و جهه‌نگار هزار فعال بودند. دکتر مصدق برنامه برای پیروی از گسترش گش - گلنگین بسیار کوشید.

دولت منشور، لایه‌ای نفت را به مجلس ارائه کرد. مجلس با پیشنهاد نخست‌وزیر مبتنی بر تحلیل کمیسیون نفت، به منظور تهیه و مطالعه این پرونده، موافقت کرد اما در تبریز ۱۳۲۹ دولت منصور به شکلی غیرمنتظره استعفا داد. سیه‌رالر رأی اول خطاب داشت که خود را به مجلس یاری کرد و به طور تلویحی به تداوم نظرات مدیری با تأکید نمود اما جواب مهم می‌شد. دولت چرا را شاهکوتا خواند و روابط با کار امید فصل بر سیاست رژیم‌ها در آن بود. دولت با پیشنهاد سایر دولتها در پایش به استیضاح اعلام کرد که نسبت به قرارداد الحاقی نفرت مخصوص دارد و کمیسیون مخصوص نفت مجلس را گیرد. دولت می‌خواست را با استیضاح الحاقی برداخت و به دنبال آن، تظاهرات عمومی برگزار شد تا اینکه رژیم‌ها در ۱۳۲۹ توسط خلیف طهماسبی کشته شد و فردای آن روز، کمیسیون مخصوص نفت اصل میلیون نفت در اولین مراسم عرضه کشور را به اتفاق آرای برای تصویب به مجلس تقدیم کرد.

نهایتاً آن‌طور که در دوره‌های چهاردهم، نا ماهی‌های که بی‌هری در حضور استمداده، مردم با استناد به تحولات پس از شهر بیست و دو تا حدودی قربت و انتظار حضور انتخابات را پیدا کردن و با شدت و ضعف در انتخابات مشارکت نمودند. مجلس در پیشگیری از امر نسله کشور، تا برگزار بود مجلس چهاردهم، به پیشنهاد مصوی، ماان از استعفای امتیاز نفت شمال به روسیه شورا داد و به طور کلی، اعطای استعفای نفت به خارجیان را ممنوع کرد. در مجلس پانزدهم و شانزدهم نیز فعالیت نمایندهای اقلیت، موجب همراهی بسیاری از قانونی سیاسی در مجلس و خارج آن با نهاد ملی شده نفت کرد و سرانجام در اصفهان ۱۳۲۹ مجلس شانزدهم قانون ملی شده صنعت نفت را به اتفاق آرای تصویب کرد. این نهاد، الیاح بخش‌های مهم دیگری در استیضاح حقوق مردم از قدرت‌های سلطه‌گر شد. با این حال، عدم شکل گیری و ضعف فرهنگ سیاسی مشترکی که می‌باشد با قایمت‌الملک، توپیت نظام مشروطه و مجلس شورای ملی می‌شد، منبع از توهیه‌های مهم و نیل به ارمان‌های اصلی مشروطه گردید.

نتیجه

انتخابات مجلس سیاسی اکبری به‌سرعت از سوی رضائی و در انتظار ورود متقضی به ایران برگزار شد اما در دوره شاه جدید به حیات خود ادامه داد و اعتراضات ممکن بر تجدید انتخابات به دلیل فضای نامناسب، مورد توجه نخست‌وزیر وقت (محمدرضا فروغی) قرار نگرفت. بنابراین مجلس شورای ملی اگرچه

1. مطبوعات پهلوی به روایت استاد ساواک (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹)، صص ۱۶۶-۱۶۷.
مهم‌ترین دست‌های مشروطه بود و قانون اساسی و متمم آن، قدرت فوقالعاده‌ای به مجلس و نمایندگان مردم می‌داد اما با به اصول نظام‌های مشروطه عمل نکرد. زیرا هم‌اواز برخی از نظام سلطنت مطلوع و تداوم فرهنگ سیاسی ضعیف، تحفید می‌شد. علی و عوامل ساختاری مختلفی به قبال و عملکرد مجلس تأثیر گذاشتند و کارایی قانونی آن در سیستم‌های قدرت و در ارتباط با نهادهای قدرت سنتی تقلیل یافت و زمینه‌های نفوذ و سلطه قدرت مطلق‌الداخی و قدرت‌های خارجی از طریق حمایت و انتصاب نمایندگان و تصویب طرح‌های غیرمیلی فراهم شد. از یک سو، سیاست حکومتی افتادگرگارنده و توان قانونی مجلس را به محاصره می‌کشد و مجلس به سوی تبدیل شدن به شکیل‌های فرمایشی پیش می‌رفت و از سوی دیگر، جایگاه ایران در رقابتهای قدرت‌های بزرگ باعث می‌شد تا بروز قدرت‌های که خود دارای نهادهای مشروطه بودند. قدرت‌گری مجلس را به ضرر منافع خود بینند. بدن ترتیب‌‌ها، این دو قطب قدرت ظرفیت‌ها و جایگاه مجلس را برای اظهار نظر و قانون‌سازی در سطح سیاست خارجی و امور داخلی برخی‌ترانتهاده، حال آن‌که مجلس باید برآمده‌ای از مردم و سروش‌سازی‌ترین نهاد رسمی در زندگی سیاسی جامعه می‌بود.

اگرچه در دوره‌های مجلس جهاد‌دهم، می‌تواند به دلیل بی‌ثباتی نظام بین‌المللی و کم‌تحریکی شاه جوان و جدایی‌های علی ساختار قدرت بر مجلس کاسته شد اما در این شرایط، نمایندگان نیز در شرایطی قرار داشتند که نمی‌توانستند قدرت مجلس را در طی سال‌های 1320-1320‌‌هش. بر سرسر گستره‌ی سرزمینی‌ایران و سایر مراکز قدرت اعمال کنند. سیاست مادی‌که هم‌واره ماهیت وجودی مجلس و قدرت آن را تهدید قرار داده بود. دخالت دربار در انتخاب و کلیه ملت و حتی در مصوبات آن بود. با توجه به ترکیب طبیعتی نمایندگان می‌توان دربارت که دربار بیش از همه از گروه ملکان و زمین‌داران برابر حضور در مجلس حمایت می‌کرد اغلب نمایندگان مجلس شورای ملی و سپس مجلس سنای تا سال 1320‌‌‌‌‌ از خاستگاه زمین‌داری ظهور کرده بودند و بعضاً وجود استقلال عمل نسبی در بین تعدادی از نمایندگان مجلس حاصل‌دهم تا هگدهم، برآمده از شرایط خاص حاکم بر جامعه و تقلیل افکار و انگیزه‌های مختلف بود و بر وجود معنوی‌سیاسی‌ها جامعه قانونی دلایلی نداشت و تلاش‌ها در این عصر نز نمی‌جری به چاپ برنی‌وری‌ها و اصول قانونی به جای شیخوخیت و عملکرد نیچگانستی و ساختار افتادگرگاری نشد. با این تفاسیر به نظر می‌رسد که حیات سیاسی و اجتماعی مشروطه در دوره بهداهنی نیز به شکل اصلاح از بالا باقی ماند و علت تداوم این مسئله، ضعف فرهنگ سیاسی مشترک‌کننده‌ی بود که این مسئله ریشه‌های هم در بررسی ترکیب طبقایی نمایندگان مجلس و هم در عملکرد دربار جهت کنترل مجلس مشهود است.
کتابخانه

ایران، میانه‌سال، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشینگ ترایبی و هسن قافینه‌پناه (تهران: جرب نوید ایران، 1355، چاپ اول).

زندگی، ایران/ ایران و چهارصد یک هزار در جنگ دوم جهانی (تهران: پاژندگ، 1386، چاپ دوم).

روبن، باری، جنگ در ایران، ترجمه محمدرضا سلیمیان (تهران: انتشارات، 1343، چاپ اول).

زیباترین، شاهد، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران بعد از شهروپر 1337 (تهران: سمت، 1385).

سرعی‌غلام، مصطفی، علی‌محمدی، تضاد و توسعه‌ی اقتصادی در ایران، مرکز مطالعات تاریخ‌دانی، 1377.

شجعی، زرما، نواید ایران، مدلی در پیوسته و کی دیده فیلم‌های سینمایی (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، 1344).

علی‌قلی‌ی، فرخزاده، اثر سه‌درصدی ایران (تهران: انتشارات عربی و اسلامی جامعه، 1373-1380، ترجمه عباس واریزی، همشهری، نشر آسیا، 1387، ص178).

۱۳۲۸، قانون، استاندارد جامعه مدنی (تهران: فصول، 1379).

کانزیورن، محمدعلی، مقدماتی انجمن‌سازی و نمایشگاه‌های ملی (تهران: نشر مرکز، 1372).

کناره، فردی، من شهیم معلم (احزاب این زمینه را (تهران: رواق، 1421).

کوشک‌های تاریخ سالن به مطالعات ایران (تهران: انتشارات شهره، 1380).

کیستون، حسین، سیاست موانعه‌ی جنگ (تهران: مصدق اسلامی، 1377).

کشتی‌های جزایر را به درست آوردن (تهران: فنون، 1427، چاپ نجم).

گردهام، رابرت، ایران برای بهره‌برداری، ترجمه فیروزی (تهران: ساحل، 1375).

محمدی، محمد، سیاست مدنی ایران، سیره‌های نظیر و مواد (تهران: نشر مرکز، 1387).

مطالعات پهلوی به ویژه استاد ساک، (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1379).

اسناد و مطالعات

اشرف‌اصغر، مشایی انتقالی: سیاست‌گرایی و تجربه خواهان‌ها (تهران: پارسه، 1391، ص 2، ص 173-176).

طیف‌های اجتماعی در دوره پهلوی: ترجمه عباس‌آوازی، مجله زمینه، ش 3، سال دوم، 1371، ص 5-59.

مطالعات سیاسی: مجله اطلاعات اقتصادی، ش 6، آذر و دی 1375، ص 349.

مطالعات اقتصادی: مجله اطلاعات اقتصادی، ش 6، آذر و دی 1377، ص 342.

مطالعات اجتماعی: مجله اطلاعات اجتماعی، ش 6، آذر و دی 1377، ص 347.